

قدرت سیاسی و تحول هویت شهری قاهره در عصر ایوبی

زینب فضلی^۱

چکیده

با روی کار آمدن صلاح‌الدین ایوبی در ۵۶۷ دوران تاریخی جدید و متفاوتی در تاریخ شهر قاهره آغاز شد. در آن دوره قاهره پایتخت دولت جدید حاکم بر مصر شد اما بافتار شهری آن تحت تأثیر سیاست‌های ایوبیان اعم از توسعه شهری و تغییر بافتار اجتماعی و مذهبی آن، دگرگون شد و از شهری فاطمی-اسماعیلی به شهری سنی-ایوبی تغییر یافت. از این‌رو، این سؤال مطرح می‌شود که در دوره ایوبیان (۵۶۷-۶۴۸) چگونه هویت تاریخی شهر قاهره تحول یافت؟ بنابر یافته‌های این پژوهش که با اتکاء بر روش شهرپژوهی تاریخی و با تأکید بر سه‌عنصر قدرت سیاسی، گستره جغرافیایی و هویت اجتماعی فرهنگی به انجام رسیده، قاهره در دوره ایوبیان در اثر اراده و قدرت سیاسی در سه بُعد توسعه عمرانی جغرافیایی، ساختار اجتماعی و بافتار فرهنگی دچار تغییر و تحول بنیادین شد. علاوه بر تخریب و از میان بردن مظاهر تمدنی و فرهنگی عصر فاطمی، قلعه‌الجبل بر روی کوه المقطم ساخته شد و به جای قاهره فاطمی مرکز اداری و سیاسی شهر شد. همچنین، با بنای سور صلاح‌الدین، قاهره بزرگ ایجاد شد که مشتمل بر قاهره فاطمی، فسطاط، قطائع و قلعه‌الجبل بود. همچنین با حمایت حاکمان ایوبی مدارس متعددی در قاهره تأسیس و این شهر مرکز فرهنگی اهل سنت شد.

کلیدواژه‌ها: جزیره روضه، شهرسازی اسلامی، قاهره، قاهره ایوبی، قلعه‌الجبل، مصر اسلامی.

۱. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.

z.fazli@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۲/۱۰

Political Power and the Transformation of Cairo's Urban Identity during the Ayyubid Era

Zeynab Fazli¹

Abstract

With the rise of Salah al-Din al-Ayyubi in 567 AH, a new and distinct historical period began in the history of Cairo. During this time, Cairo became the capital of the new ruling state in Egypt. However, its urban context was transformed by Ayyubid policies regarding urban development and changes in social and religious structures. Consequently, the city's identity shifted from a Fatimid-Isma'ili to a Sunni-Ayyubid one. Hence, this raises the question: How did Cairo's historical identity transform during the Ayyubid period (567–648 AH)? According to the findings of this study, which employs the historical urban studies method and focuses on three key elements—political power, geographical expansion, and socio-cultural identity—Cairo underwent fundamental changes in three dimensions: physical and geographical development, social structure, and cultural context, driven by political will and power during the Ayyubid period. In addition to the destruction and elimination of Fatimid-era cultural and civilizational landmarks, the Citadel of Jabal (Qal'at al-Jabal) was constructed on the Moqattam Hills and became the administrative and political center of the city instead of Fatimid Cairo. Furthermore, with the construction of Salah al-Din's defensive wall, Greater Cairo (al-Qahira al-Kubra) was formed, encompassing Fatimid Cairo, Fustāṭ, Qatā'i, and the Citadel of Jabal (Qal'at al-Jabal). With the support of the Ayyubid rulers, numerous madrasas were also founded in Cairo, transforming the city into a cultural center for Sunni Islam.

Keywords: Roda Island (Jazīrat al-Rawdah), Islamic Urbanism, Cairo, Ayyubid Cairo, Citadel of Jabal (Qal'at al-Jabal), Islamic Egypt.

1. Assistant Professor, Department of the History of Culture and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. z.fazli@alzahra.ac.ir

درآمد

در مطالعات تاریخی شهرهای اسلامی در کنار روند بنیان‌گذاری آنها، یکی از مسائل مهمی که می‌تواند مد نظر قرار گیرد، تغییرات و تحولاتی است که طی ادوار مختلفی موجب تغییر هویتی شهرها شده‌است. متأثر از رخداد‌های تاریخی، شهرها نیز دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند. مسلمانان پس از تصرف سرزمین‌های مفتوحه تغییرات بسیاری را در کالبد و بافتار آنان ایجاد کردند. قاهره نیز که بنیان‌گذاری آن توسط مسلمانان صورت گرفت، متناسب با ادوار تاریخی هویت‌های مختلف و متعددی را به‌خود گرفته است. دولت‌ها و قدرت‌های سیاسی یکی از عوامل مهم و مؤثر در ایجاد ویژگی‌های جغرافیایی شهری و نیز حیات اجتماعی و فرهنگی شهرها به‌ویژه پایتخت‌های دولت‌های مسلمان بوده‌است (گرابار، ۱۶). عوامل دینی و مذهبی نیز در این مهم تأثیر قابل توجهی داشت (نک. فایز الحارثی، ۱۱۸-۱۱۹). اگرچه با در پیش گرفتن نگرشی واقع‌گرایانه نباید همه تحولات تاریخی در بستر شهرها را به عامل قدرت سیاسی تقلیل داد، اما دولت به‌ویژه در اعصار پیشامدرن به‌عنوان عامل اصلی نظم جامعه شهری و در بیشتر مواقع به‌عنوان مهم‌ترین کارگزار عمرانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری یا تغییر هویت و بافتار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهرها داشته است. شهر قاهره در ۳۵۸ به‌مثابه یادمانی برای پیروزی و تفوق فاطمیان بر رقبای سیاسی و عقیدتی و برای پایتختی این دولت بنیان‌نهاده شد. این شهر که از منظر موقعیت جغرافیایی در شمال‌شرقی شهر فسطاط، در کنار ترعه موسوم به خلیج امیرالمؤمنین (خلیج قاهره) قرار گرفته بود (نک. ابن‌زولاق، ۵۵-۵۶؛ ابن‌ظهیره، ۱۱۱-۱۱۳؛ ایمن فؤاد سید، ۶۷)، منطبق با سیاست بنیان‌خود هویتی فاطمی-اسماعیلی یافت. با این اوصاف، بعد از دو قرن، زمام قاهره در تسلط ایوبیان قرار گرفت (۵۶۷) که از منظر سیاسی-مذهبی مخالف فاطمیان بودند. با دست به دست شدن قدرت در مصر از فاطمیان به ایوبیان، بار دیگر تسنن در مصر رسمی شد. ایوبیان اقدامات مختلفی با هدف ایجاد تغییر در هویت قاهره انجام دادند و تلاش کردند تا قاهره به شهری ایوبی-سنی تحول یابد. از این‌رو پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از روش

شهرپژوهی تاریخی^۱ از جمله روش‌های مرسوم در مطالعات تاریخی شهرها،^۲ چگونگی تحول تاریخی در هویت قاهره طی دوره ایوبیان (۵۶۷-۶۴۸) را تبیین کند. بنابراین روش مطالعاتی، اوضاع و شرایط، مسائل، تغییرات فیزیکی-جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و هویتی شهرها در یک دوره تاریخی مشخص بر اساس مستندات و منابع تاریخی و با هدف شناخت روند تکاملی شهرها بررسی و عوامل مؤثر و نقش‌آفرین در تغییرات رخ داده در مقایسه با دوره یا ادوار پیشین تبیین و تحلیل می‌شود. بدیهی است که برای انجام این مهم به‌مانند هر مطالعه تاریخی درباره شهرهای سده‌های نخستین اسلامی به ناگزیر باید از توصیف‌ها و گزارش‌های منابع بهره گرفت (نک. الصیاد، ۵۵). برای بازنمایی این تحولات بر اساس الگوی این شیوه مطالعاتی سه عنصر عاملیت قدرت سیاسی، تغییر گستره جغرافیایی و دگرگونی هویت اجتماعی-فرهنگی شهر قاهره مدنظر قرار گرفته است. آنچه چنین مطالعه‌ای را ضرورت می‌بخشد اینکه در کنار موقعیت جغرافیایی مناسب شهر قاهره، آنچه موجب استمرار حیات این شهر در ادوار بعد از فاطمیان به‌عنوان پایتخت دولت‌های غالب بر مصر را ممکن کرد، تحول هویتی متناسب با دولت‌های حاکم بر آن بوده است.

پیشینه پژوهش

درباره شهر قاهره در ادوار تاریخی پژوهش‌های متعددی منتشر و در آنها درباره وضعیت شهر در عصر ایوبیان نیز سخن رانده شده است. مقاله «قاهره»^۳ مندرج در *دائرة المعارف اسلام* به قلم روجرز^۴ (۱۹۹۷) عمدتاً به بناهای این شهر در عهد ایوبی پرداخته است. ایمن فواد سید (۲۰۱۵) نیز در فصل سوم *القاهره خطتها و تطورها العمرانی* تحت عنوان «قاهره الأیوبیین» به شیوه مرسوم خط‌نگاری آمیخته با تاریخ‌نگاری شهری نوین، تحولات قاهره در دوران ایوبیان را بررسی می‌کند. ماکنزی

-
1. Urban History.
 2. Historical Urban Studies.
 3. Al-Kāhira.
 4. Rogers.

(۲۰۰۷) نیز در پژوهش خود به بررسی تاریخ شهری قاهره با محوریت تغییرات توپوگرافیک آن دوره پرداخته که در نوع خود مطالعه ارزشمندی است. همچنین کتاب *عمران القاهره و خططها فی عهد صلاح الدین الأیوبی* نوشته فایز الحارثی (۱۴۲۰) به بررسی تاریخی فعالیت‌های عمرانی شهر قاهره و نیز عوامل مختلف دخیل در تحولات شهری آن در دوره صلاح الدین پرداخته است. لازم به ذکر است که در مطالعات مربوط به دوره ایوبیان نیز گاه درباره قاهره به عنوان پایتخت این دولت مباحثی ارائه شده است. با این همه موضوع تأثیر قدرت سیاسی بر تحول هویت شهری قاهره در دوره ایوبیان در تحقیقات بالا چندان مورد توجه نبوده است.

درآمدی تاریخی بر قاهره فاطمی

در تاریخ شهرسازی اسلامی قاهره از جمله شهرهایی است که به دست خاندانی حکومتگر بنیان نهاده شده است (گراپر، ۱۸). قاهره از زمان بنیان‌گذاری آن توسط فاطمیان در ۳۵۸ هجری (نک. مقریزی، *الخطط*، ۱۷۱/۲، ۲۲۰؛ ابن حماد، ۸۴؛ ایمن فواد سید، ۶۷؛ أحمد، ۷۳) تا دوران کنونی، همواره از شهرهای بزرگ و مهم جهان اسلام بوده است. این شهر در بیشتر ادوار تاریخی، به جز دوره تسلط عثمانیان، پایتخت بود. قاهره نخستین، طرحی چهارگوش داشت که سورهایی آن را در برمی گرفت (مقریزی، *الخطط*، ۲۵۴/۲؛ ایمن فواد سید، *القاهره*، ۶۹؛ جومار، ۲۵). در قاهره نخستین، قصر بزرگ (قصر الکبیر) و جامع الازهر نیز پی افکنده شدند و خیابانی اصلی برای اتصال نواحی مختلف آن ساخته شد (ایمن فواد سید، ۷۰؛ AlSayya, "Space in an Islamic City", 116, Russel). برای ورود و خروج به قاهره نیز تله دروازه ساخته شد که باب زویله در جنوب، باب الفتوح و باب النصر در شمال، از آن جمله بودند (مقریزی، *الخطط*، ۲۶۷/۲).

بعد از انتقال پایتخت فاطمیان به قاهره در ۳۶۱، این شهر روند توسعه خود را طی دو قرن حاکمیت این سلسله شیعی طی کرد و به یکی از شهرهای پرآوازه جهان اسلام تبدیل شد و از منظر سیاسی و تمدنی رقیبی جدی برای بغداد پایتخت عباسیان در

عراق درآمد (Hodgson, 2/23). با محوریت قاهره «تمدن فاطمیان» پدیدار شد و این شهر به مرکز ثقل و قلب تپنده یکی از مراکز اصلی و مهم تمدن اسلامی تبدیل شد (نک. فضلی، «نسبت دوره فاطمیان...»، ۶۹-۷۳؛ حمزه، ۲۹). نکته مهم درباره قاهره این است که این شهر به واسطه حضور خلافت فاطمی، سیاست‌های اعمالی آنها و وجود فعالیت نهادهای مذهبی-تبلیغی اسماعیلی مانند جامع‌الازهر و نیز سایر نهادها و بناهای سیاسی، اداری و مذهبی، هویتی اسماعیلی-فاطمی داشت و با وجود تغییرات مختلفی که از نظر فیزیکی و اجتماعی در آن دوره و تا اواخر دوره فاطمیان از سر گذراند، همچنان این ماهیت خود را حفظ کرد (نک. ایمن فواد سید، ۶۲-۶۵؛ فضلی، «قاهره فاطمی»، ۲۳۵ به بعد). با این اوصاف، آنچه از منظر تاریخ شهری و مذهبی قابل توجه است اینکه شهر قاهره در دوره ایوبیان ضمن استمرار این جایگاه سیاسی و مرکزیت تمدنی خود، به مرکزی فرهنگی-مذهبی برای مذهب تسنن در مصر و نیز جهان اسلام درآمد و هویتی جدید و متفاوت با دوره فاطمیان کسب کرد که تا زمان حاضر کم و بیش ادامه دارد. از این رو، می‌توان گفت که حاکمان ایوبی نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر بنیادین در هویت تاریخی شهر قاهره داشتند.

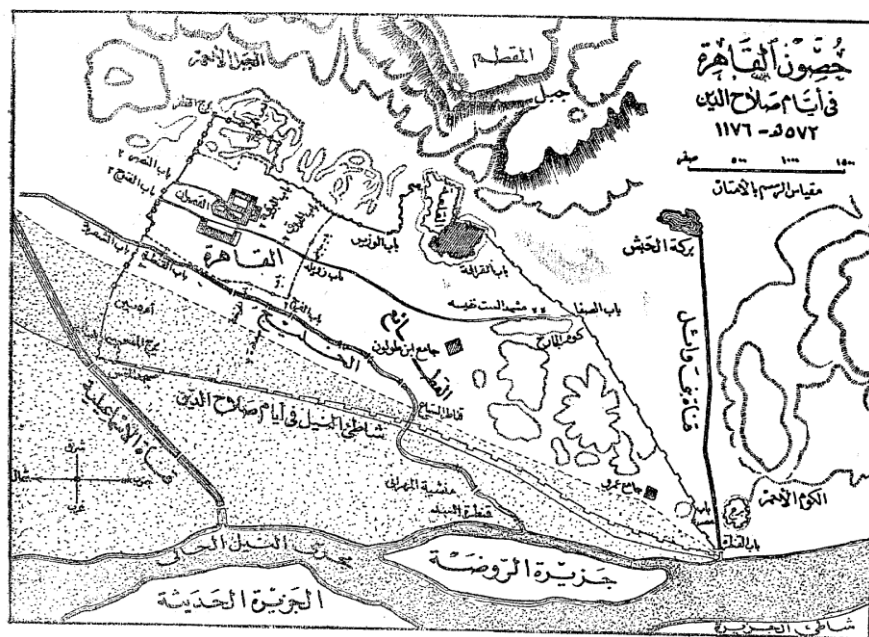
ظهور ایوبیان و الزامات تاریخی تغییر هویت شهر قاهره

تأسیس دولت ایوبیان توسط صلاح‌الدین ایوبی در ۵۶۷ را باید به‌عنوان حد فاصل زمانی قاهره فاطمی و قاهره ایوبی دانست. همانطور که جایگزینی ایوبیان به جای دولت فاطمیان را انقلابی در تاریخ سیاسی مصر به‌شمار می‌آورند. به موازات این تغییر، تحول مهمی نیز در هویت شهری قاهره آغاز شد. صلاح‌الدین (حک. ۵۶۷-۵۸۹) یک حاکم سنی‌باورمند درصدد بود تا مصر را از منظر مذهبی و سیاسی به حوزه مذهب تسنن بازگرداند (Lewis, 1/205). در کنار انگیزه‌های مذهبی، تلاش برای کسب مشروعیت از طریق جلب نظر اکثریت اهل سنت در جهان اسلام، خلفای عباسی بغداد و نیز دفاع از سرزمین‌های اسلامی در برابر صلیبی‌ها نیز در اتخاذ این سیاست صلاح‌الدین مؤثر بود (انصاری، ۸). در واقع، حاکمیت جدید مصر مصمم بود تا به‌مانند تغییر بنیادین در

ساختار سیاسی، بافتار و ماهیت اجتماعی فرهنگی پایتخت را تغییر دهد. از این‌رو، با توجه به اینکه قاهره فاطمی نماد تمدنی حاکمیت پیشین محسوب می‌شد، اقدامات مختلفی برای کاستن از اهمیت آن به‌کار بسته شد (مقریزی، الخطط، ۲/۲۲۳؛ نیز نک. انصاری، ۹) تا در مسیر انحطاط قرار گیرد (AlSayyad, Cairo, 75). بدین ترتیب، از میان بردن مظاهر فرهنگی و تمدنی فاطمیان و دگرگونه کردن بافت اجتماعی و زیرساخت‌های قاهره، پایتخت فاطمیان آغاز شد (ایمن فؤاد سید، ۱۸۴-۱۹۰). با هدف زدودن میراث مادی و تمدنی فاطمیان، کتابخانه عظیم آنها، که از کتابخانه‌های باشکوه دوره اسلامی به‌شمار می‌رفت، از میان برداشته شد (اعظمی، ۸۵-۸۶) و به تل‌الکتاب تبدیل شد (مقریزی، اتعاظ‌الحنفاء، ۳/۳۳۱؛ همو، الخطط، ۲/۳۵۸). افزون‌بر این، به دستور صلاح‌الدین قصرهای فاطمیان خالی از سکنه شد (ابن تغری‌بردی، ۲۰/۶-۲۱) و بسیاری از بناهای مهم آن دوره از جمله کاخ‌های مشهور القصر الشرقي و القصر الغربي به‌دلیل بی‌توجهی عامدانه در مسیر ویرانی قرار گرفت (مقریزی، الخطط، ۲/۲۲۲-۲۲۳؛ زکی، القاهره، ۴۲).

اگرچه با توجه به موقعیت مناسب قاهره فاطمی جابجایی جمعیت شهر منطقی به‌نظر نمی‌رسید، تلاش شد ضمن ایجاد تغییراتی در کالبد آن، مرکز سیاسی و اداری به محلی در مجاورت قاهره فاطمی منتقل شود. بدین ترتیب، طرح بنای ارگ حکومتی به‌مثابه یک طرح عمرانی در قاهره ریخته شد تا از طریق آن تغییرات مد نظر در کالبد و ماهیت فرهنگی و اجتماعی شهر انجام گیرد. نکته مهم اینکه پیش از ایواییان در قاهره قلعه‌ای وجود نداشت (بیومی، ۲۳۶). اغلب دلایل مختلفی برای بنای این ارگ توسط صلاح‌الدین مطرح می‌شود. در کنار برخی نگرانی‌ها که از جانب طرفداران فاطمیان متوجه دولت نوپای ایوبی بود، به‌ویژه اینکه صلاح‌الدین به‌ناگزیر برای مواجهه با صلیبیان باید به‌زودی قاهره را ترک می‌کرد (نک. مبارک، ۱/۲۲؛ بیومی، ۲۳۶)، به‌سبب شرایط سیاسی شامات، همچنان تهدید قاهره از سوی صلیبی‌ها محتمل می‌نمود؛ از این‌رو، تمهیداتی برای ارتقای امنیت شهر و ممانعت از دست یافتن مهاجمان به آن ضروری بود (نک. ایمن فؤاد سید، ۲۱۰). افزون‌بر آن، بناها، مراکز اداری و حکومتی و

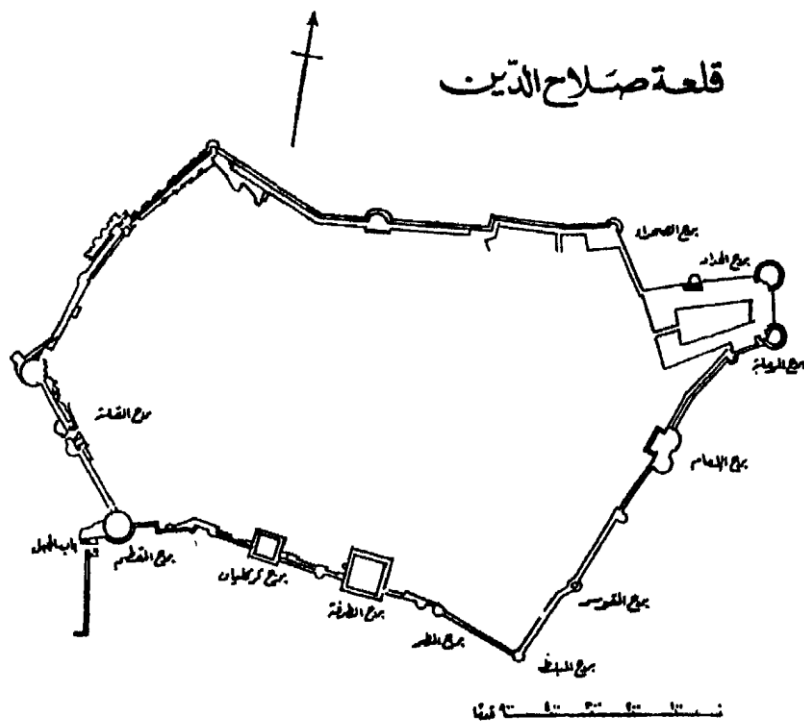
قصرهایی که فاطمیان در قاهره ساخته بودند، با توجه به اختلاف عقیدتی صلاح‌الدین با بانیان آنها، چندان مطلوب نظر بنیانگذار دولت ایوبیان نبود و او پیگیری اهداف مد نظر خود را از طریق قاهره فاطمی ممکن نمی‌دید (Lane-Poole, 119-120; Creswell, 1/26). نکته قابل توجه دیگر اینکه به واسطه این تغییرات و دگرگونی‌ها که به موازات ویرانی ابنیه فاطمی، با بنیان نهادن ارگ کوهستانی جدید برای قاهره و نیز ساختن باروی متفاوت و گسترده‌ای برای این شهر انجام گرفت، صلاح‌الدین فردی معرفی می‌شود که به صورت گسترده در صدد عمران و آبادانی به‌ویژه در قاهره برآمد (نک. مبارک، ۲۲/۱). با این اوصاف، ترکیبی از فعالیت‌های عمرانی و سیاست‌هایی برای دگرگونی در هویت اجتماعی و فرهنگی قاهره با خواست دولت ایوبی موجب شد تا برای تمایز بین این دو دوره، از قاهره عصر ایوبیان با عنوان «قاهره ایوبی» یاد شود.



تصویر شماره ۱: قاهره در دوره صلاح‌الدین ایوبی (زکی، القاهره، ۱۰۴)

قلعه‌الجبیل، مرکز سیاسی و اداری قاهره ایوبی

تلاش صلاح‌الدین برای توسعه شهر قاهره به گونه‌ای که اهداف سیاسی-عقیدتی او را توأمان محقق کند، منتهی به بنای ارگی مرتفع و پیوسته به قاهره فاطمی شد. برای انتخاب مکان مناسب برای ساختن ارگ مد نظر صلاح‌الدین، تمهیدات ویژه‌ای را در نظر گرفتند و در نهایت یکی از تپه‌های کوه المقطم واقع در شرق قاهره مشهور به «قُبَّه الهَوَاء» برای بنای آن انتخاب شد (مقریزی، الخطط، ۶۳۸/۳، ۶۴۴؛ فیت، ۵۳). قُبَّه الهَوَاء از شرایط خاص طبیعی و کوهستانی برخوردار بود و این امکان را فراهم می‌کرد که از نظر استحکامات دفاعی شرایط بهتری در مقایسه با قاهره فاطمی داشته باشد و در عین حال آشکارا اقتدار ایوبیان را نیز نمایندگی کند. برخی بر این نظر هستند که ایده بنای قلعه‌ای بر روی کوه المقطم در قاهره از آنجا ناشی شد که در آن دوره در شامات متأثر از معماری نظامی صلیبیان، ساختن برج و باروهای کوهستانی رایج شده بود و صلاح‌الدین در ایام پیش از رهسپاری به مصر، با این سبک بناهای نظامی و قلعه‌سازی آشنایی داشت. از این‌رو، ایوبیان بر خلاف فاطمیان، مکان مرتفع و با امکانات و استحکامات دفاعی طبیعی را بر شهر واقع در دشت ترجیح می‌دادند (کوننو، ۲۳۵؛ ایمن فواد سید، ۱۹۵؛ فهمی، «العمارة قبل عصر المماليك»، ۲۳۰). در حومه قاهره تنها کوه المقطم از ویژگی‌های لازم برای برپا داشتن چنین ارگی برخوردار بود (نک. Lane-Poole, 119-120؛ کازانوف، ۲۰، ۳۲-۳۳؛ برن-ابویوسف، ۱۲۵-۱۲۶) و امکان اشراف بر مناطق پیرامونی افزون‌بر قاهره فاطمی همچون مصرقدیم (فسطاط)، رود نیل و قرافه را توأمان فراهم می‌کرد (مقریزی، الخطط، ۲۰۱/۲؛ جومار، ۲۲۷؛ نیز نک. تصویر شماره ۱) و از نظر هوا نیز شرایط مطلوبی داشت (نک. ابن‌ظهیره، ۱۹۱).

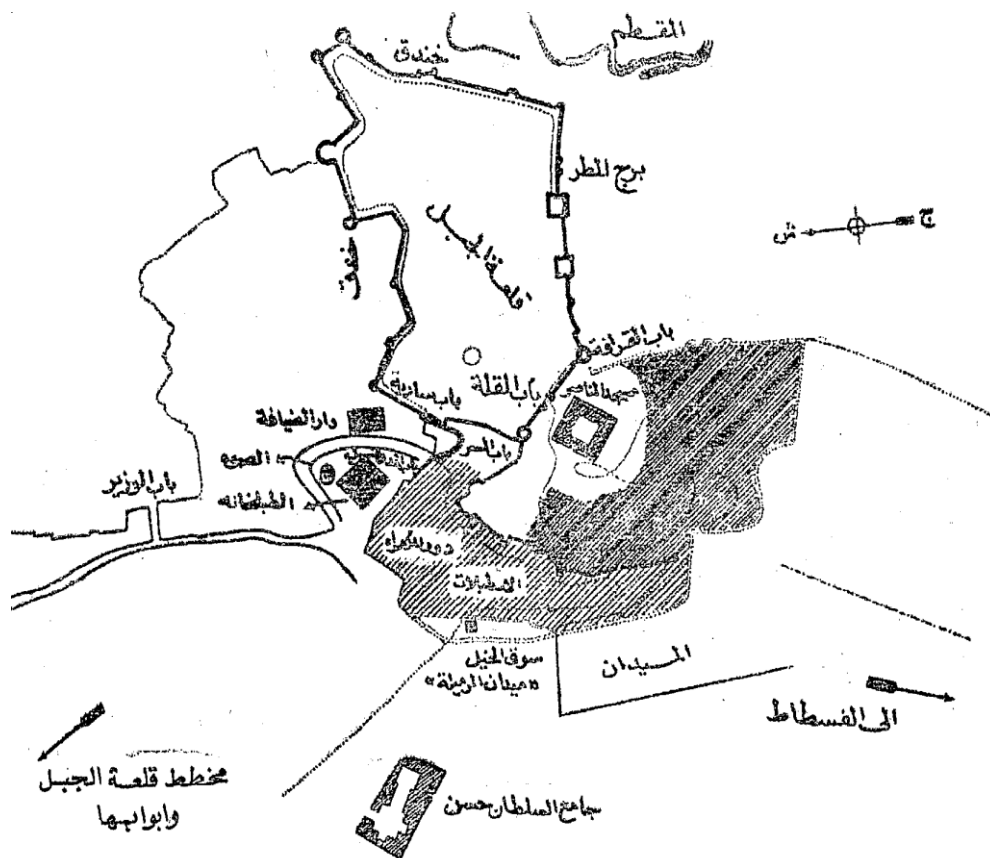


تصویر شماره ۲: باروها و برج‌های قلعه الجبل یا قلعه صلاح‌الدین (فکری، ۲۹)

ارگ صلاح‌الدین که مظهر عینی توسعه قاهره در دوره ایوبیان محسوب می‌شود (فکری، ۱۸/۲)، حصاری چند ضلعی مستحکم با باروهای بلند و برج‌های استوانه‌ای بود (Creswell, 2/7-39 و طرح‌نقشه‌های مندرج در آن؛ کوئو، ۲۳۴؛ تصویر شماره ۲ و ۳). به دلیل موقعیت جغرافیایی کوهستانی و پیوستگی بناهای قلعه‌مانند آن، این ارگ از همان زمان بنای آن به «قلعه الجبل» (دژ کوهستانی) مشهور شد. امروزه از آن با نام قلعه صلاح‌الدین و نیز قلعه القاهره یاد می‌کنند (نک. کازانوف، ۱۹). بنای قلعه الجبل به دستور صلاح‌الدین بر عهده وزیرش بهاء‌الدین قراقوش أسدی (متوفای ۵۹۷) واگذار شد (مقریزی، السلوک، ۶۳/۱) و به همین دلیل نیز گاهی بنای آن به قراقوش نسبت داده می‌شود (ابن مقفع، مجلد ۳، ۸۸/۲؛ ابن تغری بردی، ۵۴/۶، ۱۷۶). با توجه به اینکه در دوره



فاطمیان بناهایی در محل بنای قلعه الجبل ساخته شده بود، در مرحله آماده‌سازی، این بناها تخریب شدند (ابن عبدالظاهر، ۱۳۰؛ ماکنزی، ۱۰۲). تاریخ بنای تالار ۱۲ ستونی قصر مجموعه قلعه الجبل به سال ۵۶۷ برمی‌گردد (جوهار، ۲۳۲)؛ اما بر کتیبه باب‌المدرج قلعه تاریخ بنای آن سال ۵۷۹ درج شده است (کازانوف، ۷۱-۷۲؛ ماکنزی، ۱۰۴-۱۰۵). با این اوصاف، تکمیل بناهای قلعه الجبل در دوره ملک عادل (حک. ۵۹۶-۶۱۵) ادامه یافت و در نهایت در دوره ملک کامل (حک. ۶۱۵-۶۳۵) به پایان رسید (کوننو، ۲۳۴-۲۳۵). صلاح‌الدین، فرزندش ملک عزیز عثمان و برادرش ملک عادل سیف‌الدین اغلب به صورت پاره وقت در این قلعه سکونت می‌کردند تا اینکه در دوره سلطنت ملک عادل، وی با هدف سکونت دادن فرزند و ولی عهد خود ملک کامل محمد در قلعه الجبل، بنای آن را در ۶۰۴ تکمیل کرد. ملک کامل محمد نخستین فرمانروای ایوبی است که در این قلعه سکونت دائمی گزید. در دوره او بازار چارپایان نیز به رُمیله در پایین قلعه الجبل منتقل شد (ابن عبدالظاهر، ۱۳۱؛ قلقشندی، ۳۷۲/۳؛ مقریزی، الخطط، ۲/۲۲۳، ۳/۶۳۸، ۶۴۶؛ اسحاقی، ۲۶۹). به دنبال این تغییر، عمارت‌های مسکونی جدیدی در دوره این سلطان ایوبی در قلعه الجبل بنا شد که از جمله می‌توان به عمارت آیوان، کتابخانه، اصطبل سلطنتی و نیز برج‌المطار اشاره کرد (ابن عبدالظاهر، ۱۳۱؛ ایمن فواد سید، ۱۹۵؛ برن-ابویوسف، ۱۲۸). تغییر مرکزیت سیاسی قاهره به قلعه الجبل به‌عنوان محل سکونت حاکم (سلطان ایوبی) و استقرار تشکیلات دیوانی و دولت (ایمن فواد سید، ۱۸۷)، بیش از آنکه یک جابجایی فیزیکی صرف باشد، اقدامی هوشمندانه و هدفمند بود که طی آن باید بافتار شهر قاهره از ماهیت فاطمی-اسماعیلی آن فاصله می‌گرفت و با قرار گرفتن آن به‌عنوان مرکز اصلی تحولات شهری، زمینه تغییر و دگرگونی بنیادین در اجتماع و حیات فرهنگی آن را هم مقدور می‌ساخت. با این اوصاف، از زمان انتقال کامل مرکزیت اداری قاهره به قلعه الجبل تا پایان دوره ایوبیان و نیز در ادوار بعد از آن تا زمان محمدعلی‌پاشا حاکمان مصر در آنجا سکنی گزیدند (جوهار، ۲۲۸؛ فکری، ۱۴/۲).



تصویر شماره ۳: قلعه الجبل و شهر قاهره (زکی، القاهره، ۱۰۴)

تأسیسات آبرسانی قلعه الجبل و بئر یوسف

به رغم قرار گرفتن قاهره در نزدیکی رود نیل، تأمین آب شهر یکی از چالش‌های پیش‌روی دولت‌های حاکم بر آن شهر بود. در این میان، فاصله قابل توجه میان قلعه الجبل و رود نیل و نیز اختلاف سطح این ارگ واقع بر روی تپه قُبَّه‌الهُوَاء با سطح رود نیل، استفاده از آب این رودخانه برای تأمین نیاز ساکنان، این ارگ را با چالشی به مراتب دشوارتر مواجه کرد. از این‌رو، باید راهکار دیگری برای تأمین آب ساکنان آن در نظر گرفته می‌شد. به تدبیر قراقوش چاره کار را در این دیدند که چاه‌هایی در قلعه حفر کنند که چاه معروف به «بئر یوسف» منتسب به یوسف بن نجم‌الدین ایوب (نام اصلی صلاح‌الدین)، از جمله آنهاست (ایمن فواد سید، ۲۱۵). بئر یوسف با در نظر داشتن هر



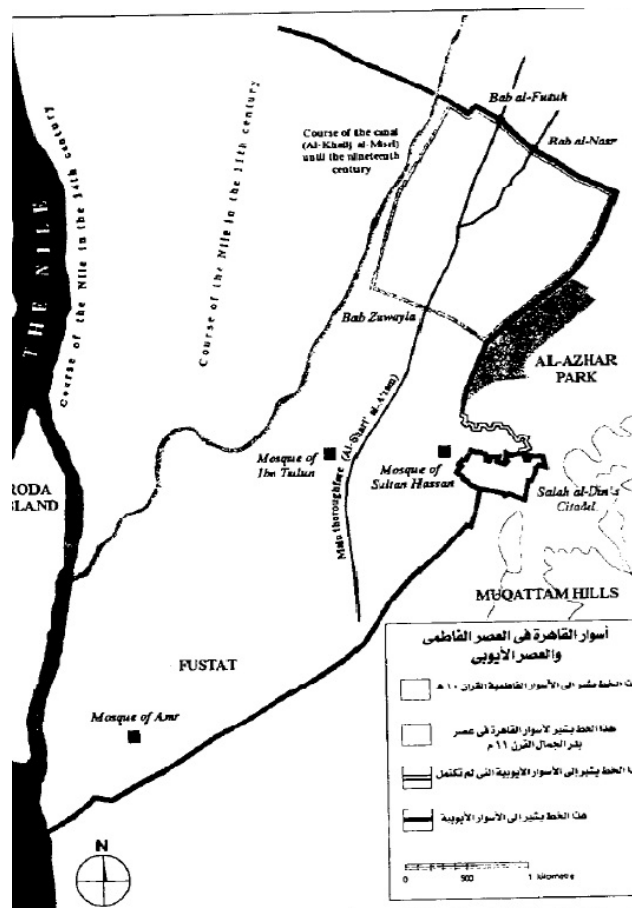
دو سطح مختلف ۵۰ و ۴۰ متری آن حدود ۹۰ متر عمق داشت. بئر یوسف همواره سازه انسانی شگفت‌انگیزی برشمرده شده‌است و حتی ناظران معاصر ایوبیان آن را جزو عجایب برشمرده‌اند (نک. بغدادی، ۳۴؛ ابن‌عبدالظاهر، ۱۹؛ مقریزی، السلوک، ۶۳/۱). برای استحصال آب از چاه عمیق بئر یوسف، تجهیزات خاصی ایجاد شد و بنابر گزارش‌های موجود آب از طریق گرداندن چرخابه‌ای در عمق ۵۰ متری چاه به وسیله گاوی در درون آن به بالا ارسال می‌شد (ابن‌مقفع، ۸۸/۲؛ مقریزی، الخطط، ۶۴۸/۳-۶۴۹؛ جومار، ۲۳۶-۲۳۸).

با وجود این چاه، اقدامات و تلاش‌های سازندگان قلعه‌الجبل برای تأمین آب توفیق چندان نداشت. بر این اساس، برای انتقال آب از رود نیل تمهیدات دیگری در نظر گرفته شد. به دستور صلاح‌الدین یکی از تأسیسات مهم آبرسانی تاریخ قاهره ساخته شد. این تأسیسات که در تاریخ شهرسازی دوره اسلامی پیشامدن از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است، متشکل از آباره‌ها و پل‌های آبرسان و چرخابه‌هایی بود که آب را از نیل به قلعه‌الجبل می‌رساند، بدین ترتیب که برای برطرف کردن مشکل اختلاف سطح زیاد میان رود نیل و قلعه‌الجبل آب رود نیل با استفاده از چرخابه‌هایی به آباره‌های مرتفع جاری می‌ساختند و بعد از رساندن آب به قلعه‌الجبل، در آنجا آب منتقل شده را برای استفاده ساکنان در حجم وسیعی در آب‌انبارهای ارگ ذخیره می‌کردند (برن-ابویوسف، ۱۲۹). در واقع، چالش تأمین آب برای قلعه‌الجبل منتهی به ایجاد تأسیساتی منحصر به فرد در تاریخ شهری مصر و نیز قاهره ایوبی شد، تأسیساتی که در ادوار پیشین نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

بنای سور صلاح‌الدین و پدیداری قاهره بزرگ

یکی از تحولات مهم در کالبد شهر قاهره در دوره ایوبیان افزایش چشمگیر گستره جغرافیایی این شهر بود. در کنار بنیان نهادن قلعه‌الجبل، بنابر سیاست صلاح‌الدین اقدام عمرانی مهم دیگر از طریق بازسازی هدفمند سورهای قاهره به انجام رسید که مسئولیت آن بر عهده بهاء‌الدین قراقوش نهاده شده بود (ابن‌عبدالظاهر، ۱۹؛

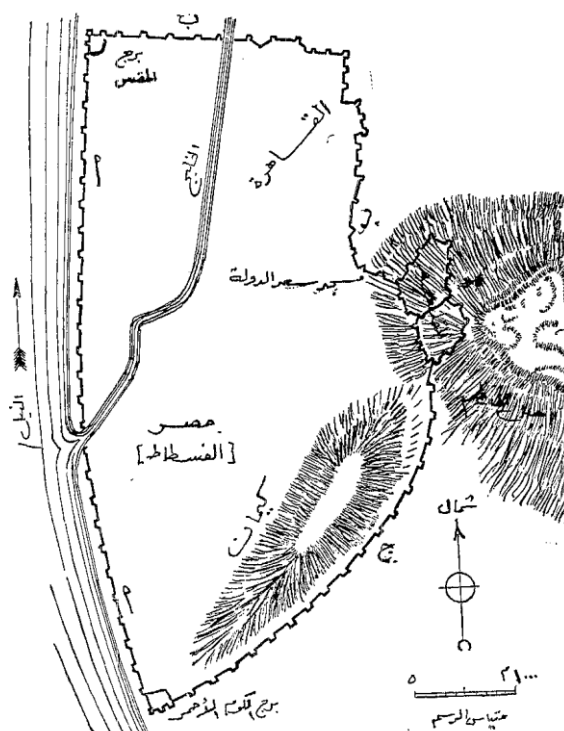
ابن تغری بردی، ۷۸/۶). بعد از باروهای گلی قاهره نخستین و باروهای سنگی بنا شده در دوره وزارت امیرالجيوش بدرالجمالی بین سالهای ۴۵۰-۴۵۸، باروهای صلاح‌الدین سومین و طولانی‌ترین بارویی بود که بر گرد قاهره ساخته می‌شد (عزب، ۹-۱۰؛ زکی، موسوعه، ۱۴-۱۵؛ تصویر شماره ۴). باروهای بدرالجمالی عمدتاً قاهره فاطمی را در برمی‌گرفت و بدین ترتیب دفاع از نواحی شهری واقع در پیرامون آن را دشوار می‌کرد. تصمیم بر این شد تا سورهای قاهره به شکلی جامع و فراگیر تجدید شوند به گونه‌ای که افزون بر قلعه‌الجبل، نواحی دیگر شهر مشتمل بر قاهره فاطمی، فسطاط و قطائع را نیز دربرگیرد (مقریزی، الخطط، ۲/۲۶۴؛ فولکف، ۸۱). با پیوستن همه این مناطق در داخل سورهای متصل به هم قاهره، عملاً یکپارچگی این مناطق در قامت یک شهر واحد تحقق یافت و تحولی شگرف در افزایش وسعت ارضی شهر قاهره رقم خورد. مسئولیت انجام این طرح متهورانه نیز به مانند بنای قلعه‌الجبل به بهاء‌الدین قراقوش واگذار شد. با توجه به اینکه سازندگان در تأمین مصالح برای بنای این سورها با محدودیت‌هایی روبه‌رو بودند؛ بنابر گزارش منابع، به دستور قراقوش تعدادی از اهرام کوچک در جیزه تخریب شد (بغدادی، ۳۴؛ مقریزی، الخطط، ۳/۶۴۴؛ ابن تغری بردی، ۱۰۹/۶، ۱۷۶). برای انتقال احجار این اهرام برای بنای باروها و قلعه قاهره، پل‌های مشهور جیزه (قناطر الجیزه) نیز در آن زمان ساخته شد (ابن تغری بردی، ۱۷۶/۶-۱۷۷؛ مبارک، ۲۲/۱). با این اوصاف، در نتیجه اجرای این طرح عمرانی بزرگ، باروی یکپارچه طولی بر گرد قاهره کشیده شد که امروزه با نام «سور صلاح‌الدین» یا «اسوار صلاح‌الدین» شناخته می‌شود (نک. کازانوف، ۴۴؛ Cresswell, 2/41).



تصویر شماره ۴: باروهای قاهره در دوره فاطمیان و ایوبیان (عزب، ۲۷)

بنابر تصریح برخی مراجع، طول سور صلاح‌الدین قاهره حدود ۲۹۳۰۲ ذراع بود که سه قسمت مختلف متمایز از هم داشت. قسمتی از این سور که از قلعه مقس تا برج بالکوم احمر در ساحل نیل در جنوب کشیده شده بود به طول ۱۰۵۰۰ ذراع ساخته شد، در حالی که بخش دیگر آن از قلعه مقس تا دیوارهای قلعه الجبل ۸۳۲۹ ذراع بود و قسمت سوم سور از دیوار قلعه الجبل تا برج بالکوم احمر ۷۲۰۰ ذراع طول داشت. افزون‌بر این، طول سورها و باروهای گرد قلعه الجبل ۳۲۱۰ ذراع بود که آشکارا نشان‌دهنده عظمت طرح عمرانی اجرا شده در قالب سور صلاح‌الدین و نیز افزایش پهنه

جغرافیایی قاهره در آن دوره است (ابوشامه، ۶۸۷/۱-۶۸۸، ابن واصل، ۵۲/۱-۵۳؛ ایمن فواد سید، ۱۹۱؛ قس. ماکنزی، ۹۴-۹۷).



تصویر شماره ۵: سوره‌های صلاح‌الدین (کازانوف، ۴۶)

طرح توسعه ارضی قاهره ذیل طرح بنای سور صلاح‌الدین از ۵۷۲ تا ۶۱۴ به طول انجامید (فییت، ۵۳). به واسطه این سوره‌های جدیدالبناء، شهر قاهره شکل هندسی جدید و متفاوت با ادوار پیشین به خود گرفت (ماکنزی، ۵۵؛ نیز نک. تصویر شماره ۵). قرار گرفتن قلعه‌الجبل بین قاهره و فسطاط موجب می‌شد تا قاهره فاطمی واقع در شمال قاهره بزرگ و فسطاط در جنوب آن بیش از پیش بهم نزدیک شوند (برن -ابویوسف، ۱۲۶). با بنای سور فراگیر بر گرد همه مناطق قاهره امکان دفاع یکپارچه از آن فراهم شد (کونثو، ۲۳۵-۲۳۶). بدین ترتیب و در نتیجه این توسعه قسمت‌های مختلف شهر

داخل حصار و باروی طولانی و مستحکمی قرار گرفتند تا امکان پدیداری «قاهره بزرگ/القاهره الکبری» فراهم شود (ماکنزی، ۵۵). باید در نظر داشت که تلاش برای به هم پیوستن شهرهای مختلف واقع در حومه قاهره فاطمی یعنی فسطاط، قطائع و قلعه الجبل در کنار قرار گرفتن آنها داخل این سوره‌های طولانی اولین قدم مهم در ایجاد قاهره بزرگ بود و برای تحقق عینی آن در کنار این مهم، تعداد جمعیت شهر باید در شمار زیادی افزایش می‌یافت تا این نواحی جدا از هم به همدیگر متصل شوند حال آنکه مشکلات و موانع مختلفی از جمله وقوع قحطی سال‌های ۵۹۷ تا ۵۹۸ مانع از تحقق چنین امری شد (نک. ایمن فواد سید، ۱۹۱-۱۹۳). از این‌رو، ناظری مانند ابن جبیر، جهانگرد مشهور مسلمان متوفای ۶۱۴ قلعه الجبل را «قلعه القاهره» می‌نامد که به‌نوشته او متصل به شهر قاهره است (ابن جبیر، ۲۵). گزارش برخی ناظران مربوط به اواخر دوره ایوبی و دوره ملک صالح نجم‌الدین درباره شهر قاهره و اوضاع آن مؤید این مهم است (نک. ابن سعید، ۵/۱-۱۱). با این اوصاف، با توجه به شرایط تاریخی دوره ایوبیان، با بنای سور صلاح‌الدین قاهره علاوه بر اینکه یک سپر دفاعی یکپارچه برای مناطق مهم و مرکزی سرزمین مصر ایجاد شد (نک. فهمی، «قلعه الجبل»، ۴۷۹؛ فولکف، ۸۱)، دورنمای توسعه قاهره و تحقق قاهره بزرگ در ادوار پسین‌تر فراهم شد.

تلاش برای تغییر بافتار اجتماعی و فرهنگی قاهره

از سیاست‌های آشکاری که از همان ابتدای تأسیس دولت ایوبیان در ارتباط با قاهره فاطمی پیگیری می‌شد تلاش برای کاستن از جایگاه و اهمیت آن بود. برخلاف دوره فاطمیان، که سکونت مردم عادی در قاهره فاطمی با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود، به صورت هدفمند و با هدف کاستن از اهمیت و اعتبار آن (نک. کونئو، ۲۳۵) به مردم عادی اجازه داده شد تا ضمن سکونت برای خود خانه‌هایی در آنجا بسازند. با چنین اقدامی قاهره فاطمی جایگاه برجسته و ویژه پیشین خود را از دست داد و از شهری سلطنتی به شهری برای سکونت عموم مردم (و طبقات پایین دست جامعه) تبدیل شد. از این‌رو، هم‌زمان با رها ساختن قصور بزرگ فاطمیان به حال خود (نک. سطور

پیشین)، برخی از آنها که پیشتر خاندان سلطنتی در آنها سکونت داشتند، برای استفاده برخی صاحب‌منصبان ایوبی اختصاص یافت. به زودی خطط، محله‌ها و خیابان‌های قاهره فاطمی، به دلیل عدم توجه و مراقبت، از شکل پیشین خود فاصله گرفتند و دچار تغییر و دگرگونی شدند (مقریزی، الخطط، ۲/۲۲۳؛ ابوشامه، ۱/۱۹۲). با توجه به اینکه قاهره فاطمی با بنای قلعه‌الجبل مرکزیت اداری سیاسی را از دست داده بود، این اقدامات نیز در تضعیف اهمیت آن نزد مردم تأثیر داشت (ایمن فواد سید، ۱۸۸). افزون‌بر این، با هدف کاستن از اهمیت و تأثیرگذاری فرهنگی و مذهبی جامع الازهر، که در دوران فاطمیان به‌عنوان مرکز مهم فعالیت‌های مذهبی اسماعیلیه در قاهره و سرزمین مصر عمل می‌کرد (ابوالعیون، ۱۳، ۱۹-۲۳؛ Hodgson, 2/25)، به‌صورت عامدانه به حال خود رها شد؛ به موازات این اقدام، بنابر سیاستی حساب شده محل برگزاری نماز جمعه به مساجد مهم دیگر قاهره، به‌ویژه مصر قدیم یا همان فسطاط و دو جامع عمروبن‌عاص و جامع ابن‌طولون منتقل شد (عنان، ۱۱۲-۱۱۳؛ احمد فؤاد سید، ۹۳-۹۵). روشن است که این اقدامات به معنی انتقال مرکزیت حیات دینی و فرهنگی شهر از قاهره فاطمی به فسطاط، یعنی منطقه مهم اهل سنت‌نشین قاهره در این زمان بود.

اقدام تحولی دیگر عصر ایوبیان برای تغییر بافتار فرهنگی و مذهبی قاهره، بنای مدارس متعدد در این شهر بود. به‌رغم اینکه بنای مدارس از اواخر دوره فاطمیان در مصر و قاهره آغاز شده بود (نک. بیومی، ۲۳۷-۲۳۸؛ غنیمه، ۱۲۷-۱۳۲)، صلاح‌الدین پس از تسلط بر مصر و قاهره راهبرد گشودن بیش از پیش دروازه‌های مصر بر روی تحولات فرهنگی و اجتماعی شرق جهان اسلام در این روزگار را پی گرفت که مدرسه نماد بارز آن بود (نک. انصاری، ۱۰؛ احمد فؤاد سید، ۸۴). در واقع، صلاح‌الدین و ایوبیان در ادامه سنت مدرسه‌سازی سلاجقه به ابتکار خواجه نظام‌الملک طوسی (متوفای ۴۸۵)، به مدرسه و گسترش آموزش مدرسه‌ای به‌مثابه مهمترین ابزار برای تثبیت اسلام سنی در سرزمین مصر و قاهره می‌نگریستند (نک. فکری، ۱۴/۲؛ Leiser, 35; Rogers, iv/430). بر این اساس، جایگزینی مذاهب تسنن به جای

تشیع اسماعیلی از عوامل مهم ورود و گسترش مدارس در قاهره و ایجاد هویتی جدید و متفاوت محسوب می‌شود (بیومی، ۲۳۷-۲۳۸؛ فایز الحارثی، ۱۲۰) و از مدارس به‌عنوان بُرنده‌ترین وسیله ایوبیان در مقابله با عقاید اسماعیلی سخن می‌رود (حمزه، ۷۷). در کنار از میان بردن نهادهای مذهبی و کتابخانه‌های بزرگ مشتمل بر میراث ادبی و فرهنگی اسماعیلی در قاهره (نک. سطور پیشین)، تلاش شد تا مدرسه محور فعالیت‌های آموزشی و عقیدتی این شهر قرار گیرد تا به شکلی بنیادین بافتار اجتماعی و طبقات مختلف ساکنان آن را با مذهب تسنن پیوند دهد.

جنبش مدرسه‌سازی در قاهره که توسط صلاح‌الدین آغاز شده بود (ابن تغری بردی، ۵۵/۵۴-۷۹) از سوی جانشینان او ادامه یافت. به همین دلیل گاهی دوره ایوبیان به‌عنوان دوره شکوفایی مدارس مصر دانسته می‌شود (انصاری، ۸). این سیاست تا بدان حد در تغییر بافتار فرهنگی و مذهبی قاهره تأثیرگذار بود که بعد از مدتی بی‌توجهی، جامع الازهر مهم‌ترین مرکز تعلیم آموزه‌های اسماعیلی در دوره فاطمیان با تجدید نظر در خصوص آن و تغییر در کارکردهای آموزشی آن توسط ایوبیان، به یکی از مراکز مهم اسلام سنی تبدیل شد (Lewis, 1/205؛ احمد فؤاد سید، ۹۷؛ عنان، ۱۱۴). نکته قابل توجه اینکه در ادوار پیشین و از جمله دوره فاطمیان، حلقه‌های درس پیروان مذاهب مختلف تسنن اغلب در مساجد برگزار می‌شد اما با گسترش مدارس و آموزش مدرسه‌ای، نهاد مدرسه پایگاه اصلی ترویج و تثبیت تسنن در مصر به مرکزیت قاهره شد (حاجی جعفری بیدگلی، ۵۰۹/۱-۵۱۰؛ عنان، ۱۱۵-۱۱۶؛ ابوالعیون، ۱۳-۱۴). بی‌تردید تقویت بیش از پیش باورهای مذهبی سنی و زدودن باورهای اسماعیلی از جامعه قاهره و به‌طور کلی سرزمین مصر از جمله اهداف مد نظر از بنای این مدارس بود (حمزه، ۸۲). بنای مدارس متعدد در قاهره، از نظر معماری شهری دلیل دیگری بر تأثیرپذیری قاهره ایوبی از شامات از منظر فرهنگی و تمدنی بود (نک. ایمن فؤاد سید، ۱۹۹). در واقع، مدرسه چه به‌عنوان عنصری معماری و چه به‌عنوان نهادی آموزشی-مذهبی به‌دست ایوبیان در حیات شهری قاهره تثبیت شد (نک. فهمی، «العماره قبل عصر الممالیک»، ۲۳۰). از جمله این مدارس می‌توان به مدارس ناصریه، قُمحیه،

سیوفیه، ناصریه، ملک عادل، کاملیه و نیز مدرسه صلاحیه در کنار قبر امام شافعی و نیز مدارس فاضلیه، قطیبه، عادلیه اشاره کرد (نک. مقریزی، السلوک، ۶۳/۱؛ سیوطی، حسن/المحاضر، ۱۸۶/۲؛ شلبی، ۱۳۰-۱۳۲؛ غنیمه، ۱۳۳-۱۳۷). مدرسه الصالحیه نیز در ۶۴۱ توسط الصالح نجم‌الدین ایوب، آخرین سلطان ایوبی مصر بنا شد که به‌مانند مدرسه مستنصریه بغداد به هر چهار مذهب اهل سنت به‌صورت همزمان اختصاص داشت و برای بنای آن به دستور ملک صالح نجم‌الدین بخشی از قصر کبیر فاطمیان در قاهره فاطمی تخریب شد (مقریزی، الخطط، ۴/۸۵). در ۶۲۲ از سوی ملک کامل محمد، دارالحديث الکاملیه در این شهر ساخته شد و بدین ترتیب در دوره ایوبیان نهاد علمی و آموزشی دارالحديث برای اولین بار در قاهره دایر شد (مقریزی، الخطط، ۴/۹۴؛ احمد فؤاد سید، ۸۷-۸۸). در سایه افزایش تعداد مدارس و مراکز علمی و آموزشی مذاهب تسنن در قاهره ایوبی، این شهر به محل تجمع علمای برجسته تسنن تبدیل شد (نک. احمد فؤاد سید، ۸۵-۸۷، ابوالعین، ۲۳؛ انصاری، ۸-۹). همچنین برای ارتقای جایگاه و اهمیت فرهنگی و مذهبی قاهره برای پیروان مذاهب تسنن، به‌ویژه شافعی‌مذهبان بنای باشکوهی بر روی قبر امام شافعی ساخته شد. این بنا که ساختن آن از دوره خود صلاح‌الدین آغاز و در ۶۰۸ به پایان رسید، مشتمل بر گنبد و ضریحی بود که از جمله شاهکارهای بناهای چوبی تاریخ معماری اسلامی دانسته می‌شود و از تربه‌های پیشین ساخته شده در قاهره عظمت بیشتری داشت. بنای باشکوه تربه امام شافعی در قاهره ایوبی را می‌توان به‌صورت نمادین نشانه تثبیت اسلام سنی به جای تشیع اسماعیلی در مصر توسط ایوبیان دانست (نک. برن-ابویوسف، ص ۱۳۹).

در کنار تحولات معطوف به تغییر ماهیت اجتماعی و فرهنگی قاهره ایوبی باید به بنای خانقاه در این شهر نیز اشاره کرد. ایوبیان، علاوه بر مشارکت چشمگیر در گسترش مدرسه در مصر، از حضور پررنگ طریقت‌های صوفیانه در این سرزمین استقبال کردند که در نتیجه آن خانقاه‌های متعددی در این شهر ساخته شد (Cahen, ii/802). با وجود اینکه جریان‌های صوفیه در مصر و قاهره از ادوار پیش شناخته شده بود اما بنابر گزارش‌های تاریخی نخستین خانقاه ساخته شده در قاهره، خانقاه صلاحیه معروف به



خانقاه سعدالسعداء بود که از سوی صلاح‌الدین ایوبی بنا شد (قلقشندی، ۳۴۳/۳، ۳۶۴؛ ابن‌تغری‌بردی، ۵۵/۶؛ اسحاقی، ۲۶۷؛ نیز نک. احمد فؤاد سید، ۱۱۳-۱۱۴). برای بنای آنجا، محل یکی از قصرهای فاطمیان در نظر گرفته شد. این خانقاه که به صوفیان غیرمصری اختصاص داشت از جمله خانقاه‌های مهم قاهره و مصر در آن دوره و ادوار بعدی بود (برن-ابویوسف، ۱۷). ایوبیان این تصور را داشتند که اشاعه تصوف می‌تواند در نهادهای سازی و تثبیت اسلام سنی به جای باورهای اسماعیلی در جامعه قاهره و مصر نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند؛ از این رو، در بنای خانقاه در قاهره اهتمام ویژه‌ای نشان دادند تا جایی که حتی گفته می‌شود حدود هفتاد درصد موقوفات دوره ایوبیان به نهادهای مرتبط با تصوف اختصاص یافته بود (نک. Hofer, 61-62, 105-106, 250). در قاهره ایوبی خانقاه‌ها و زاویه‌ها نیز به‌عنوان مراکزی مذهبی و آموزشی در جامعه ایفای نقش می‌کردند و به دنبال آن طبقه‌ای از شیوخ صوفیه در جامعه مصر و قاهره شکل گرفتند که از جمله اشخاص برجسته آن می‌توان به ابن‌فارض اشاره کرد (احمد فؤاد سید، ۱۱۸، ۱۲۲-۱۲۳). در واقع، در شرایطی که تلاش می‌شد با استفاده از محتسب با جاری ساختن شریعت اسلامی با قرائت تسنن در قاهره و مصر اجرایی شود و با مظاهر تشیع و مذهب اسماعیلی مقابله به عمل آید، صوفی‌گری و تصوف مؤید مذهب تسنن نیز با حمایت ایوبیان در قاهره ایوبی رو به گسترش گذاشت (احمد فؤاد سید، ۱۰۷).

آبادانی جزیره روضه و تلاش‌های متأخر ایوبیان برای توسعه قاهره

ملک صالح نجم‌الدین ایوب (حک. ۶۳۷-۶۴۷) آخرین فرد از فرمانروایان ایوبی دانسته می‌شود که در قلعه‌الجبل سکونت داشت. تمایل این سلطان ایوبی برای تغییر محل سکونت خود و خاندان فرمانروایی ایوبی فصل جدیدی از فعالیت‌های عمرانی در قاهره را رقم زد و منتهی به آبادانی جزیره روضه شد. با توجه به اینکه جزیره روضه از نواحی پیوسته به شهر قاهره بزرگ است، اقدامات عمرانی در این جزیره را نیز باید به-عنوان بخش دیگری از اقدامات ایوبیان برای توسعه شهر قاهره به‌شمار آورد. در اواخر

عصر ایوبیان بنابر خواست ملک صالح نجم‌الدین در این جزیره، که پیشتر گردشگاهی برای خاندان سلطنتی بود، قلعه‌ای ساخته شد که به قلعه روضه و گاهی قلعه مقیاس، به واسطه نسبت آن به مقیاس رود نیل واقع در این جزیره موسوم شد. بنابر برخی گزارش‌های تاریخی به دلیل افزایش بیش از انتظار تعداد مملوکان ترک در سپاه ایوبی در این زمان و مشکلاتی که حضور آنها در قاهره ایجاد کرده بود، این سلطان ایوبی در صدد برآمد تا محل دیگری برای اسکان این گروه از نظامیان فراهم کند و برای این مهم جزیره روضه در نظر گرفته شد و مقرر شد قلعه‌ای در این جزیره ساخته شود (مقریزی، السلوک، ۳۳۹/۱-۳۴۰؛ ابن تغری‌بردی، ۳۱۹/۶-۳۲۰، ۳۴۱). برای بنای این قلعه به دستور این فرمانروای ایوبی تعداد پرشماری از بناهای موجود در آن از جمله قصرها و نیز مساجد را ویران کردند و ساکنان جزیره را ملزم به ترک منازل خود کردند (ابن سعید، ۷/۱-۸؛ مقریزی، السلوک، ۳۰۱/۱؛ همو، الخطط، ۵۸۲/۳؛ تا بدین ترتیب امکانات و شرایط لازم برای سکونت وی، خاندان حاکمه و نیز ممالیک وی در جزیره روضه فراهم گردد (ایمن فواد سید، القاهرة، ۱۹۶). در واقع تغییر در کاربری این جزیره از مرکزی برای صنایع کشتی‌سازی به محلی برای سکونت توسط این فرمانروای ایوبی صورت گرفت (سیوطی، کوکب الروضه، ۸۴/۲-۸۵؛ عبادی، ۲۰/۲). پس از اتمام فعالیت‌های عمرانی در جزیره روضه در سال ۶۳۸، ملک صالح نجم‌الدین ترجیح داد محل سکونت خود را از قلعه‌الجبل به ارگ نو ساخته خود در این جزیره منتقل کند (مقریزی، الخطط، ۵۸۲/۳؛ زکی، موسوعه، ۲۱۵). بعد از قاهره فاطمی و قلعه‌الجبل، جزیره روضه سومین بخش قاهره بزرگ بود که با تصمیم حاکمیتی ایوبیان آباد و به جغرافیای این کلانشهر اسلامی افزوده شد.

با توجه به اینکه ملک صالح در ۶۴۸ و در بحبوحه جنگ هفتم صلیبی تحت فرمان لوئی نهم^۱ درگذشت، بنابر صلاح‌الدین شجرالدین همسر پیرآوازه این فرمانروای ایوبی، مرگ وی پنهان نگه داشته شد و همزمان مقبره‌ای متصل به مدرسه این سلطان در قاهره

1. Louis IX.

بنا شد. با پایان یافتن جنگ با پیروزی ایوبیان، جسد وی از جزیره روضه به این محل منتقل و دفن شد (مقریزی، السلوک، ۱/۳۷۰-۳۷۱). این بنا از این جهت در تاریخ قاهره حائز اهمیت ویژه است که طی آن الگویی از مقابر فرمانروایی پیوسته به نهادهای مذهبی ایجاد شد که در ادوار بعدی نیز از آن تقلید شد (ایمن فواد سید، القاهرة، ۲۵، ۱۸۹). شجرالدین نیز بنای مشابهی مشتمل بر مدرسه و مقبره را برای خود در قبرستان سیده نفیسه بنا کرد (برن-ابویوسف، ۱۴۶-۱۴۷). با وجود اینکه فاطمیان بنیان‌گذار این شهر بودند و آن را به یکی از مراکز مهم تمدنی جهان اسلام آن روزگاران تبدیل کردند، اما با تغییرات و تحولاتی که صلاح‌الدین ایوبی و جانشینان وی در این شهر از نظر بافت شهری و فیزیکی و به‌ویژه فرهنگی و مذهبی ایجاد کردند، هویت جدید و متفاوتی بدان بخشیدند که طی ادوار بعدی و تاکنون معرف این شهر بوده‌است.

نتیجه

قاهره در عصر ایوبیان یکی از مهمترین ادوار تاریخی خود را از سر گذراند که طی آن بر اساس سیاست‌های ایوبیان مبنی بر فاطمی‌زدایی و تبدیل آن به شهری با وجهه سنی، هویت جدید و کم و بیش کنونی شهر قاهره شکل گرفت. عامل سیاست و قدرت سیاسی ایوبیان در سه بعد متفاوت در تحول بافتار شهر قاهره و شکل‌گیری هویت جدید این شهر تأثیر گذاشت. قاهره به واسطه بنیان نهاده شدن قلعه‌الجبل، در کنار توسعه ارضی و فیزیکی، از شهری صرفاً در دشتی هموار به‌صورت شهری مشتمل بر مناطق مسکونی کوهستانی و دشت هموار درآمد. بنای باروهای طولانی و مستحکم موسوم به سور صلاح‌الدین بر گردِ نواحی قاهره متشکل از قاهره فاطمی، فسطاط، قطائع و نیز قلعه‌الجبل، در کنار ارتقای استحکامات دفاعی شهر زمینه شکل‌گیری قاهره بزرگ در ادوار پسین را فراهم کرد. همچنین با هدف ایجاد و تثبیت تغییر گسترده در ترکیب جمعیتی قاهره، قاهره فاطمی به روی عموم مردم و سکونت مردمان عادی و اصناف مختلف در آن گشوده شد. به‌رغم کاسته شدن از اهمیت سیاسی و اداری این بخش از قاهره در مقایسه با عصر فاطمیان، همچنان به‌عنوان مرکز اقتصادی مهم پایتخت سرزمین مصر و ایوبیان جایگاه خود را حفظ کرد. با توجه به اینکه اراده سیاسی ایوبیان بر این قرار گرفته بود تا قاهره به مرکزی فرهنگی و دینی برای مذهب تسنن درآید، با بنای مدارس متعدد و ارتقای جایگاه عالمان سنی و گرد آمدن آنها در قاهره ایوبی، با زدوده شدن سابقه اسماعیلی و فاطمی قاهره، این شهر به یکی از مراکز مهم آموزشی و مذهبی برای اهل سنت در مصر و جهان تسنن درآمد؛ جایگاه و مرکزیتی که طی ادوار بعدی و تاکنون حفظ شده‌است. بر این اساس می‌توان گفت ایوبیان با تغییر و دگرگونی در بافتار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قاهره، بنیانگذاران قاهره پسا فاطمی یا قاهره با وجهه و ماهیت سنی بودند.

منابع

- ابن مقفع، ساویرس، تاریخ بطارکه الكنیه المصریه، نشر أنطوان خاطر و ازولد بورمستر، قاهره، مطبعه المعهد الفرنسی للآثار الشرقيه بالقاهره، ۱۹۷۰.
- ابن تغری بردی، أبوالمحاسن، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قاهره، مطبعه دارالکتب المصریه، ۱۹۳۶/۱۳۵۵.
- ابن جبیر، محمد بن احمد، رحله ابن جبیر، بیروت، دارصادر، [بی تا].
- ابن حماد، ابوعبدالله محمد، اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، تحقیق و دراسه التهامی نقره و عبدالحلیم عویس، قاهره، دارالصحوه، [۱۴۰۱].
- ابن زولاق، حسن بن ابراهیم، فضائل مصر و اخبارها و خواصها، تحقیق محمد علی عمر، قاهره، مکتبه خانجی، ۱۴۲۰.
- ابن سعید الأندلسی، المغرب فی حلی المغرب، الجزء الاول من قسم الخاص للمصر، قاهره، مطبعه جامعه فؤاد الاول، ۱۹۵۳.
- ابوشامه، عبدالرحمن بن اسماعیل، الروضتین فی أخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه، تحقیق ابراهیم زبیق، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۷/۱۴۱۸.
- ابن ظهیر، الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره، تحقیق مصطفی السقا و کامل المهندس، [قاهره]، مطبعه دارالکتب، ۱۹۶۹.
- ابن عبدالظاهر، عبدالله، الروضه البهیة الزاهره فی خطط المعزیه القاهره، تحقیق ایمن فواد سید، قاهره، الدار المصریه اللبنانیه، ۱۹۹۶/۱۴۱۷.
- ابن واصل، جمال الدین محمد، مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، تحقیق جمال الدین شیال، قاهره، [بی نا، ۱۹۵۳].
- ابوالعیون، محمود، الجامع الازهر نبذه فی تاریخه، قاهره، مطبعه الأزهر، ۱۹۴۹/۱۳۶۸.
- احمد فؤاد سید، تاریخ مصر الإسلامیه زمن سلاطین بنی ایوب (۵۶۷-۶۴۸هـ)، قاهره، مکتبه مدبولی، ۲۰۰۲.
- أحمد، أحمد عبدالرزاق، العماره الإسلامیه فی مصر، قاهره، دار الفكر العربی، ۲۰۰۹/۱۴۳۰.
- اسحاقی، محمد عبدالمعطی، لطائف الأخبار الأول فیمن تصرف فی مصر من أرباب الدول، تحقیق محمد رضوان مهنا، منصوره، مکتبه الايمان، ۱۴۲۰.
- اعظمی، محمد حسن، عبقریه الفاطمیین، [مصر]، منشورات دارمکتبه الحیاة، [۱۹۶۰].
- انصاری، حسن، «دین و دولت در دولت های آل زنگی و ایوبیان»، کتاب ماه دین، شماره ۱۰۴-۱۰۶،

- خرداد-مرداد ۱۳۸۵ ش، ص ۶-۳۳.
- ایمن فواد سید، القاهرة خططها و تطورها العمرانی، قاهره، الهیئه المصریه العامه للكتاب، ۲۰۱۵.
- برن-ابویوسف، دوریس، معماری اسلامی در قاهره، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران، مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری، ۱۳۹۱ ش.
- بغدادی، عبداللطیف، کتاب الإفاده والاعتبار، تحقیق یم ماکنتوش-سمیث، نیویورک، مکتبه العربیه، ۲۰۲۱.
- بیومی، علی، قیام الدوله الأیوبیه فی مصر، [القاهره]، دارالفکر الحدیث للطبع و النشر، ۱۹۵۲.
- جومار، وصف مدینه القاهره و قلعه الجبل، ترجمه ایمن فواد سید، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۹۸۸/۱۴۰۸.
- حاجی جعفری بیدگلی، شبنم، «معماری روزگار زنگیان و ایوبیان»، مجموعه هنر در تمدن اسلامی، معماری، زیر نظر مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، سمت، ۱۳۹۷ ش.
- حمزه، عبداللطیف، الحركه الفکریه فی مصر فی العصرین الأیوبی و المملوکی الأول، [قاهره]، دارالفکر العربی، ۱۹۶۸.
- زکی، عبدالرحمن، القاهرة، مصر، الدار المصریه للتألیف و الترجمة، ۱۳۹۲/۱۹۴۳.
- _____، موسوعه مدینه القاهره فی الف عام، قاهره، مکتبه الانجلو المصریه، ۱۹۶۹/۱۳۸۹.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، حسن المحاضره، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷/۱۴۱۸.
- _____، کوکب الروضه فی تاریخ النیل و جزیره الروضه، تحقیق محمد الشّشناوی، قاهره، دارالأفاق العربیه، ۲۰۰۲/۱۴۲۲.
- شلبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، پارسی کرده‌ی محمد حسین ساکت، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۷ ش.
- الصیاد، نزار، «مدل‌سازی شهرهای اسلامی»، ترجمه مریم قیومی، گلستان هنر، شماره ۱۴، ص ۵۵-۶۴، ۱۳۸۷ ش.
- عبادی، احمد مختار، تاریخ الایوبیین و الممالیک، بیروت، دارالنهضه العربیه، ۱۹۹۵.
- عزب، خالد، أسوار القاهره فی العصر الأیوبی، قاهره، دارزهراء الشرق، ۲۰۰۶.
- عنان، محمد عبدالله، تاریخ الجامع الأزهر، قاهره، مطبعه لجنه التألیف و الترجمة و النشر، ۱۳۹۱.
- غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ ش.

— فايز الحارثی، عدنان محمد، عمران القاهره و خططها فی عهد صلاح الدين الأيوبي، قاهره، مكتبة زهراء الشرق، ۱۹۹۹/۱۴۲۰.

— فضلي، زينب، «نسبت دوره فاطمیان و تاريخ تمدن اسلامي»، تاريخ و تمدن اسلامي، سال ۱۹، ش ۴۲، ص ۶۳-۹۱، ۱۴۰۲.

Doi: 10.30495/jhcin.2023.22304

— _____، «قاهره فاطمي: از شهری سلطنتی تا مرکزی تمدنی برای جهان اسلام»، پژوهشنامه تاريخ تمدن اسلامي، دوره ۵۷، شماره ۲، ص ۲۳۱-۲۵۸، ۱۴۰۳.

Doi: 10.22059/jhic.2025.387443.654547

— فكري، أحمد، مساجد القاهره و مدارسها، الجزء الثاني العصر الأيوبي، [بي جا]، دارالمعارف، ۲۰۰۸.
— فولكف، أولج، القاهره مدينة الف ليله و ليله، ترجمه أحمد صليحه، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۶.

— فهمي، عبدالرحمان، «العمارة قبل عصر المماليك»، القاهره تاريخها فنونها و آثارها، اسكندرية، [بي نا]، ۱۹۷۰.

— _____، «قلعة الجبل»، القاهره تاريخها فنونها و آثارها، اسكندرية، [بي نا]، ۱۹۷۰.
— فييت، جاستون، القاهره مدينة الفن و التجارة، ترجمه مصطفى العبادي، قاهره، الهيئة المصرية للكتاب، ۲۰۱۵.

— قلقشندی، أحمد، صُبح الأعشى، قاهره، دارالكتب المصرية، ۱۹۲۲/۱۳۴۰.
— كازانوف، پول، تاريخ و وصف قلعة القاهره، قاهره، المكتبة العربية، ۱۹۷۴/۱۳۹۴.
— كونو، پائولو، تاريخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمه سعيد تيزقلم زنوزی، تهران، شرکت عمران و بهسازی، ۱۳۸۴ ش.

— گرابار، ألگ، شهر در جهان اسلام، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، بصیرت، ۱۳۹۰ ش.
— ماکنزی، نیل دی، القاهره الأيوبييه، دراسة طبوغرافية، ترجمه عثمان مصطفى عثمان، قاهره، المجلس العلی للثقافة، ۲۰۰۷.

— مبارك، علی پاشا، الخطط التوفيقية الجديدة لكصر القاهره و مدنها و بلادها القديمة و الشهيرة، بولاق، مطبعة الكبرى الاميرية، ۱۳۰۶.

— مقریزی، تقی الدين، اتعاظ الحنفاء باخبارالانمه الفاطميين الخلفاء، تحقيق جمال الدين الشیال، قاهره، المجلس الأعلى للشئون الاسلاميه، ۱۹۹۶/۱۴۱۶.

— _____، السلوك لمعرفة دول الملوك، تحقيق سعيد عبدالفتاح عاشور، [قاهره]، دارالكتب و الوثائق القومية، ۲۰۰۷/۱۴۲۷.

— المواعظ والاعتبار في ذكر الخطط والآثار، حققها ايمن فواد سيد، لندن، موسسه الفرقان للتراث الاسلامي، ١٩٩٥/١٤١٦.

- AlSayyad, Nezar, “Space in an Islamic City: Some urban design patterns,” *Journal of Architecture and Planning Research*, vol. 4, no. 2 (1987), p. 108–119.
- ———, *Cairo Histories a City*, Cambridge, 2013.
- Cahen, “Ayyūbids”, *EF*², vol. ii, Leiden, Brill, 1986.
- Creswell, Keppel Archibald Cameran, *The Muslim architecture of Egypt*, vol. 1 New York, Hacker Art Books, 1978.
- Hodgson, Marshall G. S., *The Venture of Islam*, Volume 2, The Expansion of Islam in the Middle Periods, University of Chicago Press, 1977.
- Hofer, N., *The popularisation of Sufism in Ayyubid and Mamluk Egypt, 1173–1325*, Edinburgh University Press, 2015.
- Lane-Poole, Stanley, *Saladin and the fall of the Kingdom of Jerusalem*, New York, Gordias press, 2008.
- Leiser, G., The Madrasa and the Islamization of the Middle East the Case of Egypt. *Journal of the American Research Center in Egypt*, vol. 22, pp. 29–47, 1985.
- Lewis, Bernard, “Egypt and Syria”, *The Cambridge History of Islam*, ed. By P. M. Holt, vol. 1, pp. 175-230, Cambridge University press, 2005.
- Rogers, J.M., “Al-Ḳāhira”, *EF*², vol. iv, Leiden, Brill, 1997.
- Russell, Dorothea, “Are There Any Remains of the Fātimid Palaces of Cairo?” *Journal of the American Research Center in Egypt*, vol. 3, 1964.